

برگزیده ای از مقاله های انگلیسی

با تشکر از هم میهنی که مقاله شماره ۱۴۵ در بخش **و ترجمه بعضی از آن ها به فارسی** را به فارسی ترجمه کرده اند اینک حاصل زحمت ایشان در زیر تقدیم می گردد:

شکل گیری سومین جنایت جنگی آمریکا

از پل کرگ رابرتس

همچنان که چینی خود را برای حمله به ایران آماده می کند، کنگره و رسانه های ایالات متحده، مردم آمریکا و سازمان ملل خود را به ندیدن می زنند.

در آمریکا اگر تنها یک رسانه ی مستقل و یک حزب مخالف وجود می داشت، حتا اگر نره ای شرافت در زندگی سیاسی آمریکا باقی مانده بود، شاید می شد از سومین تهاجم عریان – سومین جنایت جنگی در استاندارد نورمبرگ – به وسیله ی رژیم بوش جلوگیری کرد.

در ۳۰ مارس آژانس اخبار و اطلاعات روسیه، نووستی، از یک منبع امنیتی عالی مقام نقل کرد: "آخرین داده های اطلاعاتی نظامی بر بالاترین میزان آمادگی نظامی ایالات متحده برای عملیات هوایی و زمینی بر ضد ایران دلالت می کند."

بنا به گفته ی نووستی، ارتشبد روسی لئونید ایواشوف گفته است: "پنتاگون در حال طراحی یک تهاجم هوایی بزرگ به زیرساخت های نظامی ایران در آینده ی نزدیک است."

رئیس ستاد ارتش روسیه، یوری بالویوسکی، نوامبر گذشته گفت که روسیه در حال تقویت نیروهای نظامی خود برای واکنش به تهاجم آمریکاست ولی اشاره کرد که "ارتش روسیه الزامی به دفاع از جهان در برابر اهریمنان آمریکایی ندارد."

در ۲۹ مارس، OpEdNews، گزارشی را از روزنامه ی سعودی عکاز نقل کرد که سرویس خبری آلمان، DPA، نیز آن را منتشر کرد. روزنامه ی سعودی، روز ۲۲ مارس، روز پس از دیدار چینی با زمامداران سعودی، گزارش داد که مجلس شورای سعودی، به دنبال هشدارهای کارشناسان درباره ی حمله ی احتمالی به نیروگاه های هسته ای بوشهر در ایران، در حال آماده ساختن طرح های ملی برای برخورد با هرگونه خطر هسته ای و رادیو اکتیو است که ممکن است کشور پادشاهی را تحت تاثیر قرار دهد.

و دریاسالار ویلیام فالن که گفته بود: "تحت مسئولیت من حمله ای به ایران صورت نخواهد گرفت"، از مقام ریاست فرماندهی مرکزی برکنار شده است تا راه برای حمله ی طراحی شده ی چینی به ایران هموار شود.

با وجود گسیل زیردریایی های هسته ای ایالات متحده و گروه دیگری از ناوهای هواپیمابر به خلیج فارس، به نظر نمی رسد که ایران چنان چیزی را باور کرده باشد. برای مقابله با هرگونه حمله ی موشکی تلافی جویانه ی ایران، ایالات متحده در حال سازماندهی دفاع ضد موشکی برای حفاظت از پایگاه های خود و حوزه های نفتی عربستان است.

دو کوتاهی بزرگ رسانه های آمریکا، حزب دموکرات و مردم آمریکا، شرایط را برای حمله ی از مدت ها پیش طراحی شده ی چینی به ایران آماده کرده است. کوتاهی نخست بی تردیدی نسبت به روایت دولت از رویداد یازده سپتامبر است. کوتاهی دیگر سرباز زدن دموکرات ها برای به جریان انداختن استیضاح بر ضد بوش است به علت دروغ گفتن به کنگره، مردم آمریکا و جهان، و تهاجم به عراق بر پایه ی فریبکاری و شواهد ساختگی.

اگر یک رییس جمهوری آمریکا همانگونه که آدولف هیتلر با دروغ های مطلق و مسئولیت ناپذیری، جنگی را آغازید، بتواند چنین کند، می تواند بی هراس از پی گرد، به هر آنچه که می خواهد دست زند. و بوش و رژیم اهریمنی اش چنین کرده اند.

هیتلر جنگ جهانی دوم را با حمله به لهستان، پس از اجرای یک "حمله ی لهستانی" به یک ایستگاه رادیویی آلمان آغاز کرد. در شامگاه ۳۱ آگوست ۱۹۳۹، گروهی نازی با یونیفورم های لهستانی یک ایستگاه رادیویی در آلمان را تصرف کردند. هیتلر اعلام کرد که "شب گذشته نیروهای لهستانی از مرز گذشتند و به آلمان حمله کردند." ادعایی که از آنچه رژیم بوش مدعی شد مبنی بر آنکه "صدام حسین سلاح های کشتار جمعی دارد"، درست تر نبود. دروغ هیتلر شکست خورد زیرا آشکار بود که ماه های بسیاری در حال طرح ریزی هجوم به لهستان است. هجومی که روز بعد در پاسخ به حمله ی ادعایی لهستان آغاز شد.

ایران کشوری زیبا و پیشرفته است. تمدنی ست باستانی. به هیچ کشوری حمله نکرده است. ایران از امضا کنندگان پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) است. بر اساس این پیمان ایران می تواند برنامه ای برای انرژی هسته ای داشته باشد. دعوی رژیم بوش با ایران بر اساس نادیده گرفتن حقوقی ست که ایران بنابر این پیمان داراست.

بازرسان آژانس جهانی انرژی اتمی بارها گزارش داده اند که نشانه ای از برنامه ی ایران برای ساخت سلاح های هسته ای نیافته اند. برخلاف همه ی اطلاعات نادرست منتشر شده از سوی ژنرال آمریکایی پترایس و دیگر پادوهای نظامی رژیم بوش، ایران عراقیانی را که در برابر اشغالگری آمریکا مقاومت می کنند، مسلح نمی کند.

اگر ایران شورشیان را مسلح می کرد، آنان دو سلاح می داشتند که می توانست برتری آمریکا را در نبرد خنثا کند. یکی موشک برای سرنگون کردن هلیکوپترهای تیرانداز و دیگری نارنجک های راکت انداز برای از میان بردن تانک های آمریکایی. شورشیان چنین سلاح هایی ندارند و باید از گلوله های

توپ برای خود سلاح های ناکارآمد ضد تانک بسازند. شورشیان در برابر قدرت هوایی ایالات متحده ناتوانند و یارای گردآوری نیرو برای نبرد با سربازان آمریکایی را ندارند.

خسونت فراگیر آمریکا، عراق را به ویرانی کامل کشانده است. زیرساخت های غیر نظامی از اساس ویران شده اند - برق، آب و سیستم فاضلاب، مراقبت های بهداشتی و مدرسه ها. اورانیوم رقیق همه جا هست و همه از جمله نیروهای آمریکایی را مسموم می کند. در عراق چیزی به نام اقتصاد وجود ندارد و نیمی از عراقیان یا بیشتر بی کارند. به معنای واقعی هیچ خانواده ی عراقی را نمی توان یافت که در نتیجه ی تهاجم ایالات متحده عضوی از آن زخمی یا کشته نشده باشد. میلیون ها عراقی پناهنده شده اند. کشوری پیشرفته با یک طبقه ی متوسط حرفه ای، به علت دروغ های رییس جمهوری ایالات متحده و معاونش، ویران شده است. دروغ های رژیم بوش به وسیله ی رسانه های نومحافظه کار بازگو می شوند و توسط حزب مخالف و جامعه ی بی تفاوت آمریکا به چالش گرفته نمی شوند.

در افغانستان مرگ و ویرانی بر کوچکترین دهکده ها نیز از آسمان فرو می بارد. جنگ آمریکا در عراق و افغانستان، جنگ بر ضد جمعیت های غیر نظامی ست.

همانگونه که جهان وحشت آفرینی آینده ی هیتلر را باور نمی کرد و بنابراین هرگز آماده نبود، ایرانیان نیز با وجود همه ی گواه ها، نمی توانند باور کنند که حتا "شیطان بزرگ"، بر پایه ی هیچ مگر دروغ هایی درباره ی سلاح های هسته ای نبوده، بی جهت به ایران حمله کند.

تنها بخت ایران این است که پیش از نخستین ضربه ی آمریکا، حمله کند. به جای به کار بردن موشک هایش برای نابودی حوزه های نفتی سعودی و غرق ناوهای هواپیمابر ایالات متحده، به جای بستن تنگه ی هرمز، به جای مسلح کردن شیعه های عراقی و کشاندنشان به شورش، ایران همچون موجودی بی دفاع در انکار و ناباوری نشسته است و در همین حال ایالات متحده و دست نشانده اش مالکی، برای جلوگیری از اخلاف در تدارکات و شورش شیعه های عراقی در هنگام حمله ی ایالات متحده به ایران، به سوی حذف شبه نظامیان شیعه ی الصدر پیش می روند.

مهم است که تاکید شود ایران حرکتی به سوی جنگ نمی کند. با این کنگره ی رام شده، حق سکوت گرفته و خریده شده، این رسانه ها و این متحدان و دست نشانندگان، شاید چینی از اینکه اکنون می تواند بی هیچ قید و هیچ تحریک ساختگی به ایران حمله کند، خودبینانه لذت می برد. از دیگر سو شاید او خود را پشت یک "تحریک ایرانی" طراحی شده مخفی کند تا حمله اش را به عنوان یک پاسخ، توجیه کند. ولی همچون حمله ی طراحی شده ی هیتلر به لهستان، حمله ی چینی به ایران نیز مدت هاست که در حال برنامه ریزی ست.

در ۲۹ مارس اسوشیتد پرس گزارش داد که معمر قذافی رهبر لیبی، در اجلاس عرب ها در همان روز، "بارانی از تحقیر بر سر همقطاران عربش فرو ریخت". قذافی به "رهبران" عرب که بسیاری از آنان حقوق بگیران آمریکا هستند گفت که درست مانند صدام حسین که پس استفاده از او در جنگی به نمایندگی از آمریکا بر ضد ایران، به دور ریخته شد، اربابان آمریکایی، با آنان همه نیز چنین خواهند کرد.

قذافی به عرب‌ها یادآوری کرد که صدام زمانی متحد و اشنگن بوده است "ولی آنان فروختندش". قذافی به دست نشانندگان آمریکا گفت: "بعد از این نوبت شماست".

قذافی پرسید: "کجاست شخصیت عرب‌ها، آینده‌شان و موجودیت‌شان؟" او پیش‌بینی کرد که اگر عرب‌ها همچنان گسسته باقی‌بمانند "به کشورهای تحت‌الحمایه تبدیل خواهند شد. بی‌اهمیت شده، به زباله‌دان‌ها پرتابشان می‌کنند".

در حقیقت این گسستگی ست که به آمریکا اجازه می‌دهد هرگونه و هر زمان که می‌خواهد در خاور میانه بمباران و کشتار کند.

پل کرگ رابرتس، دستیار پیشین وزارت خزانه‌داری ایالات متحده و عضو سابق سردبیری وال استریت جورنال، برای دو دهه مورد‌های تکان‌دهنده‌ای از تجاوزهای قابل‌پی‌گرد را گزارش کرده است. چاپ تازه‌ای از کتابش، زورسالاری نیت‌های نیک، که هم‌نویسی‌ای ست با لورنس استرتن، و روایتی ست مستند از اینکه چگونه آمریکاییان پشتیبانی قانون را از دست داده‌اند، از سوی رندم هاوس در مارس ۲۰۰۸ منتشر خواهد شد.